

لیست کتابهای فروشی در کتابخانه فردوسی

خیابان گیویتی ۱ (جنب دوو هوز ۷۰) خولون تلفن: 03-5038503 پلفن: 058-363491, 051-208850

نام کتاب	موضوع	زبان	تعداد	قیمت	توضیحات
مجموعه سئوالات آئین نامه رانندگی	آموزشی	فارسی	۷ جلد	۵۵ شکل	
اطلاعات عمومی قرن بیستم	آموزشی	فارسی	۱ جلد	۵۰ شکل	
دیوان مرحوم سیدجعفر خاکشیر	فکاهی / شعر	فارسی	۳ جلد	۴۰ شکل	
دیوان خواجه حافظ شیرازی	ادبی	فارسی	۱ جلد	۴۰ شکل	
اصول حسابداری	آموزشی	فارسی	۱ جلد	۲۰ شکل	
از چشمه های بی پایان ادب ایران	ادبی	فارسی / عبری	۱ جلد	۲۰ شکل	
فاجعه یوم کیپور	تاریخی	فارسی	۱ جلد	۲۰ شکل	
Inside the Iranian revolution	سیاسی	انگلیسی	۱ جلد	۲۰ شکل	
Resistance to the Shah	سیاسی	انگلیسی	۱ جلد	۲۰ شکل	
رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری	ادبی	فارسی	۱ جلد	۱۰ شکل	
شیعگری	دینی	فارسی	۱ جلد	۱۰ شکل	
ده شعر از ده شاعر	ادبی	فارسی	۱۹ جلد	۱۰ شکل	
آئین سخنوری	ادبی	فارسی	۱ جلد	۱۰ شکل	
قضاوت	سیاسی / دینی	فارسی	۱ جلد	۱۰ شکل	کپی
گلچینی از پروین اعتصامی	ادبی	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
غمستان	ادبی	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
نبرد جاسوسان	داستان	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
انتری که لوطیش مرده بود	داستان	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
اسکلت خون آلود	داستان	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
دشمن پنجم	داستان	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
دوزخیهها	داستان	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
در ویتنام همیشه باران نمیبارد	داستان	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
لبه تیغ	داستان	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
فارسی سال چهارم دبیرستان	آموزشی	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
رویا	روانشناسی	فارسی	۱ جلد	۵ شکل	
نبرد داود و گلیات	ادبی	فارسی	۴ جلد	۵ شکل	
Persian and Afghan Newspapers	فهرست	انگلیسی	۱ جلد	۱ شکل	
صد و یک راه پولدار شدن	اقتصادی	فارسی	۱ جلد	۱ شکل	
نقش فاحش حقوق بشر در جمهوری اسلامی	سیاسی	فارسی	۱ جلد	۱ شکل	
چگونه در خارج از کشور متشکل شویم	سیاسی	فارسی	۱ جلد	۱ شکل	
Iran the legacy of 10 years of dark ages	سیاسی	انگلیسی	۱ جلد	۱ شکل	
The Iranian children	سیاسی	انگلیسی	۱ جلد	۱ شکل	
کتاب مقدس	دینی	فارسی	۱ جلد	۱ شکل	
ده سال اختناق و سرکوبی در ایران	سیاسی	فارسی	۱ جلد	۱ شکل	

* جهت خریداری و یا سفارش کتب مذکور لطفا با نشانی و تلفنهای بالا تماس حاصل نمائید.

* هموطنان عزیز همچنین میتوانند کتابهای مورد علاقه خود از فهرست اشتراکی کتابخانه را نیز با بهاء نازل در دفتر ما فتوکی و صحافی نمایند.

خنده سرا



با هم . . .

علی آقا به تبعیت از مد روز میل به ورزش گرانقیمت اسب سواری پیدا کرد و به يك باشگاه سواری مراجعه نمود و با اندکی خجالت به مربی گفت: - من میخواهم اسب سواری کنم، منتها بگم که تا حالا هیچ سواری نکردم.
مربی گفت: - عیبی نداره، اتفاقا ما هم تو اصطبل یه اسبی داریم که تا حالا سواری نداده. میتونید هر دو تون با هم شروع کنین.

بهترین راه
حل برای از
بین بردن
جانوران
موذی در
فصل تابستان

<<-----



مرد: عزیزم، دیروز که رفته بودم خانه مادرم، میخواستم اسم گریه شان را شهین بگذارم، مادرم نگذاشت. گفت به شهین خانم توهین میشود. بعد خواستم اسم تو را بگذارم باز هم نگذاشت.
زن: به به، عجب مادر فهمیده ای داری، بالاخره یکبار جانب مرا گرفت
مرد: آره. مادرم گفت اگر اسم تو را روی آن بگذارم به گریه توهین میشود.

هدیه سارق

یکی از وکلای زیر دست که لاینقطع پپ می کشید، دفاع از دزدی را قبول کرد و اتفاقاً دزد تبرئه شد. چند روز بعد يك عدد پپ و يك نامه به این مضمون به او رسید:
"آقای وکیل، خواهشمندم این هدیه ناقابل را از من قبول کنید، خیال داشتم يك پپ عاج ژاپنی گرانبها برای شما بفرستم، اما متأسفانه چند پاسبان در جلو مغازه عتیقه فروشی ایستاده بودند و ناچار شدم همین را تقدیم کنم. مطمئن باشید که بعداً جبران خواهم کرد."

آمدی جانم به قربانت ولسی دولا چرا؟

حال که دولا شدی، توی مینی بوس ها چرا؟
رنج صف ها کرده پیرت، پیری ات زود آمده
بوی الرحمن و حلوا میدهی حالا چرا؟
از سحر ما جنب دکان شما صف بسته ایم
مرغی جان، شد ساعت ده، این همه لالا چرا؟
کشت ما را این همه امروز و فردای شما
ای بسیج اقتصادی، این جفا با ما چرا؟
یا کوپن را نفله کن، یا جنس را راحت بده
ای برادر جان "به قاضی میروی" تنها چرا؟
مرغ اگر کم هست، پس انبوه مرغ بی کوپن
هر کجا در هر مغازه میشود پیدا چرا؟
بس که "سگ دو" میزنم دنبال نان، گشتم چلاق
جان من دیگر مگو افتاده ای از پا چرا؟
با حقوق من که می لنگد چنان خرهای لنگ
نرخها بالا رود مثل هواپیما چرا؟



اخبار سازمان نیکوکاری عزر میداويد

تلفن: ۰۵۳-۸۷۴۵۸۴، ۰۵۰۵۴۰۳

سازمان نیکوکاری عزر میداويد ايمان دارد که بهترين راه رسيدگی و کمک به مهاجرين جديد بويژه آنانيکه صنعتی ندارند، گذراندن دوره آموزشی در رشته ای است تا بتوانند با آبرومندی روزی خود را بدست آورده و نیازی به یاری رسانیدن ديگران نداشته باشند.

برای رسيدن به اين هدف با "مطی" خولون که برای پیشبرد پيشه های شخصی کوشش مينمايد تماس گرفته شد و در مدت دو سال گذشته دوره های آرایش مو، پدیکور و مانیکور و ساخت ناخن، دوره کامپیوتر و دوره مهد کودک را برپا ساخته ایم. در تمام این دوره ها جمع آوری اسامی دعوت برای ثبت نام، ترجمه و همراهی در تمام مراحل بعهدده داوطلبان سازمان نیکوکاری عزر میداويد بوده. لازم بیادآوريمت که بودجه این دوره ها توسط سازمان "استر هملکا"، شهرداری خولون، اداره جذب مهاجرت، جوینت اسرائیل و "مطی" پرداخت میگردد.

دوره های دیگری که در آینده برپا خواهد شد عبارتند از:

- ۱- دوره کامپیوتر که نام نویسی آن پایان رسیده و بزودی برپا خواهد گشت
- ۲- دوره عکاسی و فیلمبرداری (برای مجالس عروسی و غیره) که امکان ثبت نام برای کسانیکه دارای شرایط زیر میباشند وجود دارد:

- حداقل سن ۲۱ سال

- گواهینامه پایان دوره دبیرستان

- کمتر از ده سال اقامت در اسرائیل

واجدين شرایط ميتوانند با تلفنهای:

۰۳۲-۵۰۵۴ یا ۰۳-۸۷۴۵۸۴-۰۵۳

تماس حاصل نمایند.

*

پيرو سالهای گذشته سازمان نیکوکاری عزر میداويد با کمک و یاری فرشته خويان ایرانی پیش از عيد "پسح" مقداری مواد خوراکی جهت مهاجرين جديد و نیازمندان آماده و پخش نمود. بدینوسیله از تمام اشخاصی که در این امر خیر با ما همراه و یاور بوده و در تهیه و حمل و بسته بندی و پخش مواد شرکت نموده بودند سپاسگزاری مينمايد

*

دوره آموزش مهد کودک که از ۲۳ ژانویه ۲۰۰۳ شروع گردیده بود در تاریخ یازدهم ماه مه پایان رسید. در این دوره ۲۱ دوشیزه و بانوی ایرانی شرکت نموده بودند که تا پایان دوره و در شرایط سخت روزهای بارانی و سرد امسال همگی دوره را پایان رسانیده و گواهی خود را دریافت نمودند. در جشن پایان دوره آموزشی، دانشجویان غذاهای خوشمزه و رنگین ایرانی را تهیه نموده بودند که باعث شگفتی همگان گشت. ضمناً آقای موتی ساسون شهردار خولون که دعوت ما را پذیرفته و برای تشویق هنرجویان در این جشن شرکت نموده بودند سپاسنامه ای را که از طرف جوینت اسرائیل و بنیاد ملکه استر آماده گردیده بود به آقای داوید بی بیان تقدیم نمودند.

*

در تاریخ بیستم ماه مه ۲۰۰۳ مدیر کل "مطی" خولون و آقای داوید بی بیان از طرف سازمان نیکوکاری عزر میداويد مسافرتی به شهر اشدود داشتند تا برنامه های آموزشی را در این شهر نیز برپا سازند. آقای ایتان (احسان) سماهی (دانشجوی سابق هنرستان ارت تهران)

و آقای یعقوب بیت لحمی در نشستی که در "مطی" اشدود برپا گشته بود شرکت نموده و آمادگی خود را برای خدمت داوطلبانه در این بخش اعلام داشتند. امید آنکه در آینده نزدیک بتوانیم برنامه های آموزشی را در اشدود و سپس در دیگر شهرها نظیر ناتانیا نیز برپا سازیم.

تبریک

جناب آقای هوشنگ بی بیان و خانواده محترم تبریکات صمیمانه ما را بمناسبت فرخنده ازدواج خانم هانی با آقای دانی معلم را پذیرید. افراد سازمان نیکوکاری عزر میداويد برای زوج خوشبخت، سعادت و سلامتی و پیروزی در زندگی را آرزو مينمايند. داوید بی بیان و اعضاء سازمان

تسلیت

با اندوه فراوان درگذشت آقای خلیلی را به خانواده تسلیت گفته و خود را در غم آنان شریک میدانیم. زنده یاد خلیلی خلیلی سالیان دراز (از زمان تشکیل دولت اسرائیل) در بهشتیه تهران به خدمت پرداخته و برای مهاجرت جوانان کوشش نمودند. افراد سازمان نیکوکاری عزر میداويد برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مينمايد.

خانواده محترم توفیق

درگذشت زنده یاد الیمخ را بویژه به منیر خانم و آقای حق نظر توفیق و خواهران و برادران تسلیت گفته و از پروردگار بهروزی و عمیری طولانی برای بازماندگان آرزو داریم.

سازمان نیکوکاری عزر میداويد

داوید بی بیان

جواب دندان شکن به يك پرمدها

روزی "بهلول عاقل" از جلوی خانه ابوحنیفه کوفی که ادعای دانشمندی و فضل داشت عبور میکرد. طرف مشغول درس دادن بود و به شاگردانش میگفت:

- امام جعفر صادق از سه چیز سخن میگوید که من نمی پسندم. بقول او شیطان در آتش جهنم میسوزد، خدا را نمیتوان دید و هر کس مسئول عمل خویش است. اولاً شیطان خودش از آتش خلق شده، پس چگونه میسوزد؟ جنس که از جنس متادی نمیشود؟ ثانیاً خدا را هم میتوان دید، چون چیزیکه وجود دارد، البته قابل رویت خواهد بود. ثانیاً طبق فصوص و شواهد، کاری که بنده میکنم از جانب پروردگار است و ربطی به خودم ندارد.

بهلول وقتی این حرف ها را شنید کلوخی برداشت و بطرف "ابوحنیفه" انداخت و گریخت. . . از قضا کلوخ به پیشانی مردك خورد و جیغش بلند شد. شاگردان او دیدند و بهلول را گرفتند و پیش ابوحنیفه آوردند. بهلول با تعجب پرسید که علت دستگیری چیست؟

ابوحنیفه فرید: - ای دیوانه مردم آزار، تو کلوخی به پیشانی من زده ای و سرم خیلی درد میکند. بهلول گفت: - درد را نشان من بده.

- عجب احمقی هستی، مگر درد را هم میتوان نشان داد؟ بهلول نیشخندی زد و جواب داد:

- بنده خدا مگر تو الان نمیگفتی چیزیکه وجود دارد قابل رویت خواهد بود؟ و باز مگر ادعا نمیکردی که جنس از جنس خود متادی نمیشود؟ پس چطور آن کلوخی که خاک است یعنی همجنس خودت، پیشانی تو را درد آورد؟ و بالاخره مگر حضرت عالی نفرمودی کاری که آدم میکند از جانب خداوند است؟ پس چگونه مرا مقصر میدانی و از دستم شکایت داری؟

ابو حنیفه در برابر منطق قوی آن حکیم دیوانه نما ساکت و سخت شرمنده شد و بغداد را ترک گفت.

درسهای سلامتی:

* اگر در صورت خود جوش یا لکه های قهوه ای دارید و یا پوست صورت شما طراوت خود را از دست داده هفته ای یکبار حوله ای را روی سر خود انداخته و بمدت ۵ دقیقه صورت خود را روی بخار آب جوش بگیرید. دقت کنید که پوست شما نسوزد.

* تا میتوانید آب بنوشید، بنوشید و بنوشید.

* هرگاه فرصت کردید، استراحت کنید. اگر فکر میکنید که به جسم خود بدهی خواب دارید، از هر فرصتی و امکاتی استفاده کرده و بدهی خود را بپردازید. خواب و استراحت هم برای سلامتی جسم و هم برای روح انسان آرامش می بخشد.

* ورزش کنید. اگر حوصله ندارید حداقل راه بروید.

* اگر میتوانید با صبحانه میوه بخورید، قبل از ناهار میوه بخورید، ناهار سالاد سبزیجات و انواع لوبیا و یا تکه های مرغ و ماهی خورده و شب از مواد پروتئینی و نشاسته ای استفاده نمائید.

* مشروب کمتر بنوشید. اما اگر هرچند وقت با شکلات يك لیوان شراب قرمز خورده برای قلب بسیار مفید خواهد بود.

موش ها ناقل يك نوع ویروس ناشناخته اند که به مرگ آدمی می انجامد

دانشمندان اخیراً کشف کرده اند که موشها ناقل يك نوع ویروس جدیدی هستند که قبلاً مشاهده نشده است. بیماری ناشی از این ویروس که هنوز نامی برای آن انتخاب نشده است. موجب مرگ مبتلایان خواهد شد و تاکنون روشی برای مداوای آن یافت نشده است. این بیماری برای اولین بار در جنوب غربی آمریکا مشاهده شده است. آخرین بار يك دانشجوی ۲۲ ساله آمریکائی در اثر ابتلا به این بیماری ناشناخته جان خود را از دست داد.

پزشکان آمریکائی از چندسال پیش تاکنون به بیش از ۱۰۰ فرد مبتلا به این بیماری برخورد کرده اند. ویروس این بیماری ناشناخته که از طریق انسان به انسان منتقل نمی شود، ۴ نوع است. این بیماری از طریق مدفوع موشها به انسان منتقل میشود و به همین دلیل اطباء برضد عفونی سریع مراکز زندگی و تجمع موشها تاکید میکنند.

در تشریح مشخصات ظاهری این بیماری باید گفت: تبی شبیه آنچه در سرماخوردگی به انسان مبتلا دست میدهد و ناراحتی و درد علائم اولیه این بیماری است که بلافاصله این علائم به تنگی نفس تغییر کرده و موجب مرگ بیمار میشود.

سومنامبولیسم: (Sumnambulisme): بیماری نادری است که در بعضی از افراد بطور ناخودآگاه وجود دارد. در این بیماری شخص پس از خوابیدن بدون آنکه خود متوجه شود یا از خواب بیدار شود، از رختخواب برمیخیزد و دنباله کارهای روزمره را میگیرد. مثلاً دیده شده است که خانمی که مدتها برای خود تریکو میبافته از جایش بلند شده و بلوز یا دامن خود را تمام کرده و صبح خاطره ای از کار شب پیش نداشته است یا پدری که بخاطر فرزندش نگران بوده چند بار در شب، در خواب کامل از بستر برخاسته و بر بالین فرزند رفته و روی او پتو یا لحاف کشیده و صبح هیچیک از این کارها را بخاطر نداشته. بدین ترتیب سومنامبولیسم انجام کارهای متفرقه در حالت خواب کامل است.